



ترافیک داخلی اینترنت رکورد زد

همزمان با بازی های ایران در جام ملت های آسیا رکورد مصرف ترافیک داخلی اینترنت شکسته شد. فارس ضمن اعلام این خبر نوشت، امیر لاجوردی، جانشین وزیر در امور ارتباطات و رئیس سازمان تنظیم مقررات و ارتباطات رادیویی، با اشاره به رکوردشکنی در مصرف ترافیک داخلی همزمان با برگزاری مسابقه فوتبال ایران و ژاپن در ویراستی نوشته است: «همزمان با این بازی، ترافیک داخل کشور رکورد جدیدی زدو از ۷ ترابیت برثانیه عبور کرد. سهم ترافیک IXP برای نخستین بار به حدود ۵ ترابیت برثانیه رسید. در بازی ایران و سوریه نیز مجموع ترافیک داخل و خارج رکورد زد و از ۱۲/۵ ترابیت برثانیه عبور کرد.» وزیر ارتباطات نیز در پاسخ به ویراست معاون خود در امور ارتباطات نوشته است: «این حاصل توسعه مستمر زیرساخت های ارتباطی کشور در دو سال اخیر است.» وزیر ارتباطات و جانشین اش البته به این نکته اشاره ای نکرده اند که این آمار به معنای ترجیح مخاطبان ایرانی بر تماشای فوتبال از طریق اینترنت و فضای مجازی بوده است تا تلویزیون.



کارگردان «پینوکیو» درگذشت

مارک گوستافسون، کارگردان مشترک انیمیشن برنده اسکار «پینوکیوی گیرمو دل تورو»، در سن ۶۴سالگی درگذشت. ایسنا ضمن اعلام این خبر نوشت، گیرمو دل تورو، کارگردان سرشناس مکزیکی در رسانه های اجتماعی در واکنش به درگذشت مارک گوستافسون، او را ستون استاپ موشن و مردی دلسوز، حساس و بسیار شوخ توصیف کرد. گوستافسون پس از یک سابقه طولانی در استاپ موشن، همکاری خود را با گیرمو دل تورو آغاز کرد. گوستافسون در ابتدا قصد داشت، «پینوکیو» را با گریس گرمیلی و با تهیه کنندگی دل تورو کارگردانی کند اما در نهایت دل تورو تصمیم گرفت بیشتر درگیر این موضوع شود و خودش نیز یکی از کارگردانان باشد و این انیمیشن در نهایت برنده اسکار بهترین فیلم انیمیشن در سال ۲۰۲۳، همچنین جوایز مهم دیگری شد. نخستین نمایش جهانی «پینوکیوی گیرمو دل تورو» در ۱۵ اکتبر ۲۰۲۲ در جشنواره فیلم لندن بود و این انیمیشن در ۹ نوامبر ۲۰۲۲ در سینماهای منتخب اکران شد و در ۹ دسامبر از طریق نتفلیکس پخش شد.



بارد گوگل احتمالاً متحول می شود

بهنظر می رسد که گوگل قصد دارد به زودی تغییرات عمده ای در هوش مصنوعی بارد اعمال کند. البته این شرکت هنوز رسماً چنین تغییری را تأیید نکرده است، اما ظاهراً می خواهد نام بارد را به چینیایی تغییر دهد. همچنین احتمال عرضه یک اپلیکیشن اختصاصی در اندروید و نسخه پیشرفته و پولی این هوش مصنوعی وجود دارد. دیجیتالو ضمن اعلام این خبر نوشت، براساس پست یک منبع آگاه در ایکس، احتمال دارد گوگل در ۷ فوریه (۱۸ بهمن ماه) چتبات هوش مصنوعی بارد را دستخوش تغییراتی کند؛ تغییر نام باردار به چینیایی، عرضه یک اپلیکیشن اختصاصی در اندروید، همچنین معرفی نسخه پیشرفته وپولی چینیایی احتمالاً خبرهایی باشد که گوگل به زودی اعلام می کند. برای یکسان بودن نام ابزارهای هوش مصنوعی این شرکت، منطقی است که گوگل بخواهد نام باردار به چینیایی تغییر دهد. غول فناوری در پایان سال ۲۰۲۳ از مدل جدید چینیایی پرده برداشت و از آپریس این مدل چندوجهی را در برخی از محصولات خود از جمله باردار، ادغام کرده است.

رستگاری در رهایی دیگری

نقد فیلم «جاماندگان» اثر الکساندر پین



رضا صائمی منتقد فیلم

«جاماندگان»، قصه جاماندگی از جهان ملتهب مدرن است که به سرعت تغییر می کند و فرصت چندانی به افراد برای انطباق خود با این شتاب نمی دهد. این نه فقط ویژگی جامعه آمریکا که خصلت جهان مدرن و مدرنیته است که شکاف و پارادوکسی بین جهان بیرونی و جهان درونی آدمها ایجاد کرده و به سردرگمی و سرخوردگی آدمها دامن می زند

تاریخی خود را طی می کرد و به نوعی در حال پوست انداختن بود... جامعه های هراسان و سرخورده از جنگ با ویتنام که رشد اقتصادی دهه ۵۰ و ۶۰ را می آید، اعتراضات دانشجویی و مبارزات سیاهپوستان در دهه ۶۰را پشت سر گذاشته و در پس این التهاب ها، افسردگی جمعی ناشی از جنگ را در دهه ۷۰ می گذرانند. فهم این زمینه های تاریخی و اینکه داستان در چه دوره ای در حال روایت است، به درک بهتر موقعیت قصه در «جاماندگان» کمک می کند. به عبارتی دیگر در زیر متن قصه، رد این تحولات اجتماعی بر فردیت و هویت آدمها قابل درک می شود. آدمهایی که پیامدهای این دگردیسی های تاریخی و فرهنگی را بر دوش می کشند و با زتاب این تحولات بیرونی در تلاطم های درونی و فردی آن متجلی می شود؛ از جمله احساس تنهایی و از خود بیگانگی که حاصل پروسه مدرنیته شتابان جامعه آمریکایی در دهه ۷۰ است. حتی رد این دهه را از حیث سینمایی هم می توان در فیلم شاهد بود از جمله تیتراژ فیلم که بر اساس فرم زیبایی شناختی آن دوره ساخته شده است یا موسیقی فیلم که مربوط به موسیقی پاپ دهه ۷۰ آمریکا است. به همین دلیل می توان فیلم را به نوعی جامعه شناسی آمریکا دانست که به فهم تاریخی تحولات مدرنیته و پیامدهای آن در این سرزمین کمک می کند. از این حیث «جاماندگان» می تواند فیلم مناسبی برای تحلیل های جامعه شناختی از جامعه آمریکایی باشد. قصه فیلم «جاماندگان» درباره یک معلم تاریخ به اسم پل هانهام (با بازی پل جیاماتی)، در مدرسه شبانه روزی واقع در نیویارک است که می پردازد

برآمده از زمانه و لازم برای این روزگار

نقد فیلم اوپنهایمر اثر کریستوفر نولان



صوفیا نصراللهی منتقد فیلم

برای دوستداران سینما و نه حتی علاقه مندان نولان، امسال تماشای «اوپنهایمر» کاری واجب بود؛ فیلمی که با هزینه ی گزاف تولید شده بود، قرار بود ماجرای کشف بمب اتم را نمایش دهد و تصویری از یکی از مناقشه برانگیزترین دانشمندان قرن بیستم بود و در نهایت فیلمی از نولان که دوستش داشته باشید یا نه، فیلمساز پرسرودایی است. احتمالاً مهمی این ها باعث شد که «اوپنهایمر» گیشه ی سینماها را تسخیر کند. اما این اولین فیلم نولان است که در فصل جوایز تا این حد جدی ظاهر شده. «ممنتو»، «اینسپشن» و «دانکرک» هم در کارنامه ی او نامزد اسکار شده بودند اما این اولین بار است که نولان در سه رشته ی اصلی بهترین فیلم، بهترین کارگردانی و بهترین فیلمنامه نامزد دریافت جایزه شده و شانس اش هم این بار بالاست که بالاخره اسکار را برای حداقل یکی از این رشته ها به خانه ببرد.

فراز از این مقدمه درباره ی نولان و فصل جوایز، «اوپنهایمر» شاید بهترین فیلم نولان نباشد اما به نظر من جدی ترین فیلم اوست. دوگانه ای که همیشه درباره ی نولان شکل گرفته این است که طرفداران سینمای مستقل روشنفکری از سه گانه ی «شوالیه تاریکی» به بعد، او را صرفاً یک سرگرمی ساز دیده اند و از آن طرف طرفدارانش او را کوبریک زمانه می دانند. نولان هرگز به عمق کوبریک نمی رسد اما بی انصافی است اگر همه ی فیلم هایش را سرگرمی صرف بدانیم. مشکل اینجاست که بخش مهم فیلم هایش آن قسمتی نیست که خود کارگردان رویش مانور می دهد، مثل فرمول های فیزیکی در «تنت» یا ساختار مغز و ناخودآگاه در «اینسپشن» یا سیاهچاله ها و فضا در «میان ستاره ای» و نقطه قوت «اوپنهایمر» همین است که بخش جدی آن همان چیزی است که باید. یعنی اخلاق و رابطه ی اخلاق و علم. اگر به روش قبلی قرار بود در «اوپنهایمر» هم به نظر برسد نکته ی مهم شیوه ی کشف بمب اتم یا فرمول های فیزیکی است، کار خراب می شد. خوشبختانه این فیلمی بیوگرافیک بر مبنای یک کتاب است و بیشتر شبیه «دانکرک» از آب درآمده که داستان واقعی دست وپای نولان را بسته اما نکته ی مثبت اش



اینجاست که روی یک شخصیت خاص دقیق می شویم. اینجا آدمها، عواطف و واکنش های شان معنادار است. اوپنهایمر قرار است در نقش پرومته باشد. همچنان که منبع اقباس فیلم کتابی به نام «پرومته آمریکایی» است. پرومته خدایی بود که آتش را به انسان ها هدیه داد و به همین دلیل توسط خدایان تنبیه شد. این همان اتفاقی است که برای اوپنهایمر می افتد. هر چند به سختی می توان الان قانع شد که بمب اتم هدیه ای به انسان ها بوده ولسی بهر حال می شود گفت که بعدتر آن دادگاه نمایشی لویی استاروس، سناتور آمریکایی و اتهام زدن به اوپنهایمر بابت ارتباط با کمونیست ها، تنبیه اوپنهایمر بود بابت بلایی که بر سر نوع بشر آورد. «اوپنهایمر» به لحاظ کارگردانی آن شگفتی های مثلاً «میان ستاره ای» یا حتی «اینسپشن» را ندارد اما جدی ترین فیلم نولان به لحاظ مفهومی است چون یک سوال اساسی و مهم مطرح می کند که نه فقط درباره ی اختراع بمب اتم که درباره ی هر کشف بشری از ابتدا تا امروز می شود آن را پرسید: آیا علم به اخلاق مربوط است؟ آیا اخلاقیات می تواند جلوی علم را بگیرد؟ اگر جلویش را بگیرد، اصلاً خود این کار اخلاقی است؟ پیتر سینگر، استاد اخلاق زیستی و فلسفه از مدینه ی فاضله ای می گوید که در آن از درد و رنج آدمها کاسته می شود و ۵ قانون در این رابطه وضع می کند که دوتای آن ها دقیقاً محوریت فیلم «اوپنهایمر» است: ۱) بدانید که ارزش های زندگی آدمی تغییر می کنند. ۲) مسئولیت پیامدهای تصمیمات خود را بپذیرید. اوپنهایمر ابتدای فیلم تنها ارزش واقعی زندگی برایش «علم» است. نه حتی اخلاق که با زنی از نواحی می کند که همسر دیگری است، نه عشق که پایبند کاترین نمی ماند و نه حتی وطن. برای او فیزیک اهمیت دارد و طبق همین ارزش ها مسئولیتی که روی دوش خودش حس می کند، کشف سلاحی قوی است که از قوانین فیزیک هسته ای



که مجبور می شود در تعطیلات کریسمس چند دانش آموز که جایی برای رفتن ندارند را همراهی و از آن ها مراقبت کند. معلمی که یکبار از دانشگاه هاروارد اخراج شده و سال هاست که جهان شخصی خود را در این مدرسه بنا کرده است. شخصیتی که برای دیگران، هم دانش آموزان و هم همکاران خود به شدت دافع برانگیز بوده و مورد تنفر است. گرچه به نظر می رسد که بد اخلاقی او حاصل همین تنهایی و احساس طردشدگی است و اومی خواهد با تکیه بر هویت معلمی اش و البته «تاریخ»، نه به مثابه یک درس که به عنوان عنصر هویت بخش فردی و اجتماعی به برساختن خود دست بزند و دیگران را هم در این فرایند هویت بخشی سهیم کند. اینکه فیلمساز، شخصیت اصلی خود را معلم تاریخ می گذارد، بی دلیل نیست. هم قصه فیلم به تاریخ معاصر آمریکادر دهه ۷۰ برمی گردد، هم قرار است بر این هویت تاریخی تاکید شود. چنانکه می توان همجواری سه شخصیت قصه در این فیلم را که به تدریج به یک هویت گروهی و جمعی می رسند، نمادی از چگونگی شکل گیری جامعه آمریکا هم دانست که آدمهای مختلفی از سراسر جهان و سرزمین های گوناگون به آنجا آمدند و در نهایت تولد یک ملت را شکل دادند. در «جاماندگان»، با یک همجواری اجباری چند آدم متفاوت و متضاد روبه رو هستیم که در این پروسه زمانی - که آن را به فیلم های جاده ای و سفری شبیه کرده - دچار تغییر و تحول شده و گویی آنها که به هم زخم می زدند به مرهم هم تبدیل می شوند. تصویری از همنوایی گروهی. به عبارت دیگر معلم و دانش آموز از یک قطب مخالف و ناسازگار به درک متقابل از همدیگر رسیده و لذت تفاهم را تجربه می کنند. از این حیث می توان گفت این همجواری سفرگونه آنها به یک «سیر و سلوک اخلاقی» تبدیل شده که در نهایت منجر به تغییر جهان درونی آنها شده و به رضایت و رستگاری آنها منجر می شود. در سکانس پایانی «پل» با اینکه از مدرسه اخراج می شود که همواره نسبت به این اتفاق ترس و هراس داشته، اما لبخند رضایت بر لب دارد. گویی اخراج او صرفاً به معنای از دست دادن شغل اش نیست بلکه به دست آوردن خودش و آن فردیتی است که دوست داشته باشد هم هست. او در آن موقعیت اجباری و